

چگونگی تکامل کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان



دیگرگونی در اقتصاد مواد مخدر (2002-2008)

با به قدرت رسیدن کرزی در آخر دسامبر 2001 مرحله چهارم دیگرگونی آغاز میگردد. در سطح توازن منافع بازیگران قدرت، از ترکیب "سیاستمداران مواد مخدر" (متصدیان سابق جنگی) اعاده حیثیت شده، وابستگان حکومت ضعیف کرزی، مامورین کم معاش و رشوت ستان حکومت و اقارب مامورین بلند پایه دولت، شکل گیری جدیدی بمیان آمد.¹

توام با دیگرگونی های اقتصادی، بازسازی مجدد بازیگران نیز به پیش میرفت. با وجودیکه از برکت کمکهای بین المللی برای بازسازی افغانستان، بقایای سکتور های اقتصادی که در گذشته وجود داشتند، دوباره فعال گردیده و تکامل نمودند اما در اقتصاد ملی افغانستان بخش غیر قانونی مسلط بود که زیربنای آنرا صنعت مواد مخدر میساخت.

ساختار های تولید مواد مخدر در سال 2008

مفهوم صنعت مواد مخدر ساحه وسیعی از فعالیتها و توانمندی های اقتصادی را احتوا میکند که: زرع، تولید، آماده سازی، قاچاق، تا باجگیری های غیر قانونی، رشوه دهی و اخذ مالیات مخفی از کشت تریاک شامل آن میباشد. با در نظر داشت این بخشها، انسانهای که از این ناحیه نفع میبرند، شامل لایه های مختلف اجتماعی میباشدند. خانواده های دهقانان زارع تریاک، گارگران زراعتی، شبکه تاجران، سیاستمداران شامل دستگاه دولت، ارگانهای امنیتی دولت، ملیشه های شخصی و گروه های شورشی. در میان آنها تاجران نیروی محرکه ای این بخش اقتصادی را میسازند. با وجودیکه در سلسله مراتب ایجاد ارزش، زیادتترین سود را بازیگران خارج از سرحدات افغانستان در شاهره انتقال به اروپا، روسیه ایالات متحده و در این اواخر چین، هند و جنوب شرق آسیا، بدست می آورند. اما تاجران افغانی برای اینکه مفاد بیشتر بدست آورند، از سال 2002 به اینطرف مقادیر بسیار زیاد تریاک را (تا 70%) در داخل افغانستان به ماده بمراتب قیمت تر یعنی هیروئین تبدیل میکنند.

مولدین صنعت مواد مخدر افغانستان در شیوه کار، با تحرک عجیبی خود را به یکی از قطب های زنجیر ایجاد ارزش عیار میسازند. اما در عین حال در برابر جناح دیگر تحرک کمتر از خود نشان میدهند. مثلاً در زمینه تصمیم گیری در مورد بزرگی ساحه کشت و محل کشت تریاک تحرک بیشتر وجود دارد. قبل از فصل زرع تصمیم گرفته میشود که آن نوع تریاکی کشت گردد که فقط برای یک سال حاصل میدهد. به این صورت میتوانند در سال بعدی مقدار زمین مورد زرع را به سرعت تغییر داده و محل را نیز عوض کنند. آنها با این شیوه کار، مبارزه متداوم و پایدار را برای جلوگیری از کشت تریاک مشکل میسازند. در مقابل در زمینه تقاضا در بازار های غیر قانونی بین المللی مواد مخدر، انعطاف پذیری شان غیر قابل پیشبینی و بسیار محدود است.² بطور مثال با وجودیکه سه سال متداوم، در افغانستان حاصلات بسیار بلند و در سطح جهانی اضافه تولید وجود داشت و در سال 2008 شانس مفاد بیشتر در محدودیت کشت تریاک بود اما علاقمندی برای کشت تریاک در افغانستان همچنان ثابت باقی ماند.

¹Vgl. Antonio Giustozzi. War and Peace Economic of Afghanistan's Strongmen. In: InternatiolPeackeping. 14. Januar 2007 1. S. 75-89. Am Beispiel der Einflussreichsten Kriegsherren beschreibt der Autor deren Wandel zu Politikern, Geschäftsleuten und Hintermänner der Drogen und Schattenwirtschaft nach 2001.

² Executive Summary. 2008 UNODC Afghanistan Opium Survey (1. wie Fn) این معلومات و ارقام بعدی گرفته شده از :

از شروع حکومت کرزی به این طرف یعنی سال 2002 کشت تریاک سیر صعودی را طی نموده و مقدار و زمینهای قابل زرع (گراف شماره 3) بعد از سال 2006 به پیمانته ای رسید که افغانستان در سطح جهانی جایگاه بزرگترین مولد مواد مخدر را اشغال کرد (جدول 2). اولین تقلیل در سال 2008 یک پیروزی به نظر رسیده و تصور میشد که اقدامات جامعه بین المللی و حکومت کرزی در زمینه تقلیل کشت تریاک موثر واقع شده است. اما یک تحلیل دقیق از ساختار تولید، نتایج این پیروزی را زیر سوال میبرد.

شک و تردیدها در زمینه تقلیل

زمینهای مورد زرع تریاک در سال 2008 از 193000 هکتار به 157000 هکتار تقلیل یافت. اما این تقلیل قابل ملاحظه 19% اگر به تناسب مجموعه تریاک که تولید گردیده بود، مقایسه گردد، در مجموعه تولید تنها 6% تقلیل بعمل آمده، یعنی در حالیکه در سال 2007 8200 تن تولید شده بود در سال 2008 تولید تریاک به 7700 تن میرسید. این تفاوت را میتوان ریکارد تولید دانست بخاطریکه: در سال 2007 از هر هکتار زمین 5,42 کیلو تریاک بدست آمده بود اما حاصلات تریاک در سال 2008 از هر هکتار به 8,48 کیلو گرام بلند رفت که میتوان گفت که در این سال شیوه بهره برداری و سیستم آبیاری بمراتب حرفه ای تر بکار گرفته شده بود.³ نظر به اطلاعات UNODC از بین بردن مزارع کشت کوکنار در تقلیل زرع آن هیچ موثریت نداشته است. تقلیل زمین های قابل زرع زیادتیر ناشی از تلاش و روشنگری یک تعداد از والی ها و افراد قابل نفوذ (ملاها و بزرگان قومی) در دهات میباشد. با در نظر داشت اینکه UNODC در مورد انگیزه های این والیان تحقیقی نکرده است. آیا انگیزه های جاه طلبانه سیاسی عامل اساسی مبارزه شان علیه صنایع مواد مخدر است؟ و یا اینکه در کشمکش های قدرت در کابل در قدم اول خواست آنها دارند تا بخاطر بهره برداری از کمکهای بین المللی برای بازسازی، به نفع خود، بصورت علنی از زرع تریاک و تبدیل آن به هیروئین بعنوان یک "عمل کثیف" فاصله بگیرند.⁴ چنین فاصله گرفتن های نمایشی و ظاهری برای آنها امر چندان مشکلی نیست. بر علاوه این چهره "صادقانه" جدید، زمینه را برای آنها مساعد میسازد تا از صنایع مواد مخدر و بصورت عموم از سکتور اقتصاد غیر رسمی، باجگیری بیشتر نموده و بخصوص از عواید شاهراه های قاچاق در ولایات شان بطور مثال ولایت بلخ و ننگرهار، پولهای زیادتیر را به جیب بزنند.⁵

اما UNODC تقلیل کشت تریاک را ناشی از خشکسالی و همچنان بلند رفتن قیمت مواد ارتزاقی نیز میداند که از سال 2008 به اینطرف در افغانستان بمشاهده میرسد. بلند رفتن قیمت ها به دهقانان این انگیزه را داد تا در مقایسه کار زیاد و مفاد بیشتر کار کمتر کشت کنند را ترجیح بدهند.⁶ اما این امکان هم موجود است که سالهای خشکسالی و قحطی 2008 و 2009 دهقانان را دوباره مجبور به کشت تریاک کرده باشد. چون دهقانان بخاطر ادامه حیات در زمستان باید از تاجران مواد مخدر قرضه بگیرند و این تاجران قرضه هارا همراه با تخم تریاک توزیع مینمایند. به اینصورت ممکن است دهقانان بار دیگر تصمیم برای کشت تریاک بگیرند. اینجاست که نمیتوانیم از یک تقلیل پایدار صحبت نماییم.

تاجران جنوب افغانستان تخم تریاک با کیفیت بهتر را که حاصل بیشتر میدهد، عرضه میکنند. همچنان کشتکاران این منطقه تجربه بیشتر دارند. Vgl. Shaw: Taleban Afghanistan - Drug Trafficking and the Development of Organized Crime in Post, S. 27. wie Fn 206.

Vgl. همانجا صفحه 197-198.

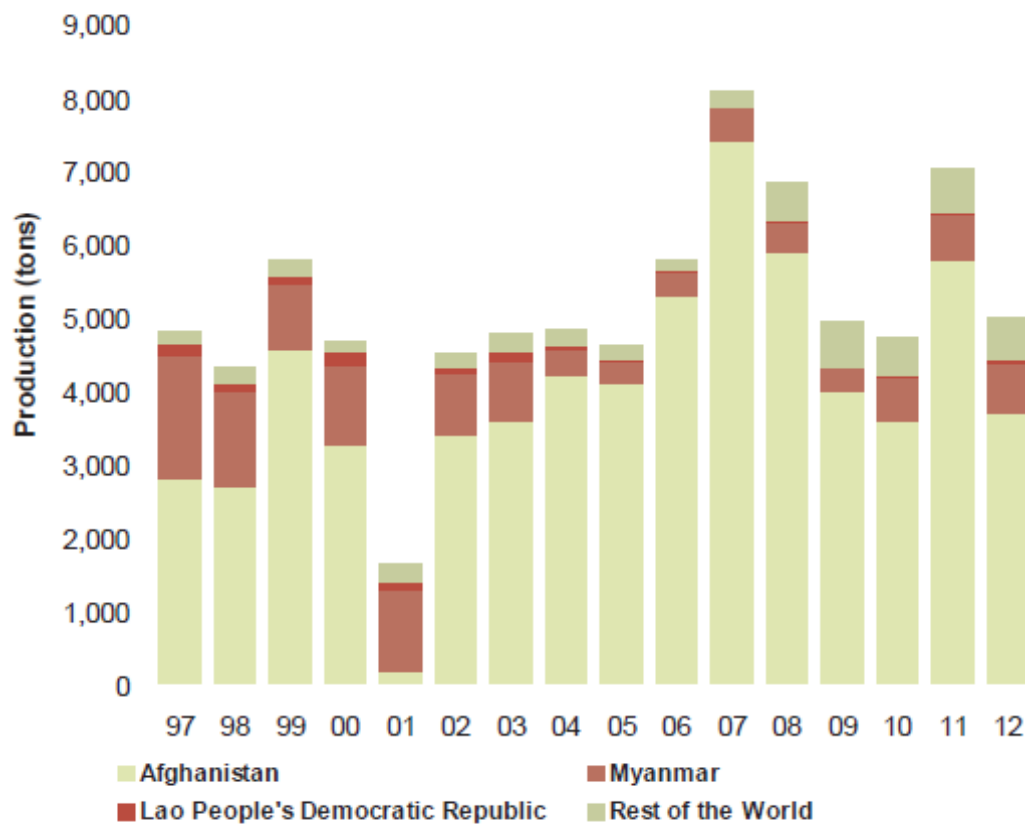
در مورد گذشته هر دو والی استاد محمد عطا (بلخ) و گل آغا شیرزی (کاندید ریاست جمهوری در گذشته قندهار و ننگرهار)⁵

Vgl. Giustozzi (wie Fn 27). S. 33

مصارف کار کشت تریاک دو تا سه چند کشت گندم است، بخصوص در وقت بهره برداری به قوای کار بیشتر ضرورت است: در هر هکتار زمین 350 ساعت کار یک نفر در مقایسه با 200 ساعت کاری فی نفر برای گندم باید بمصرف برسد.

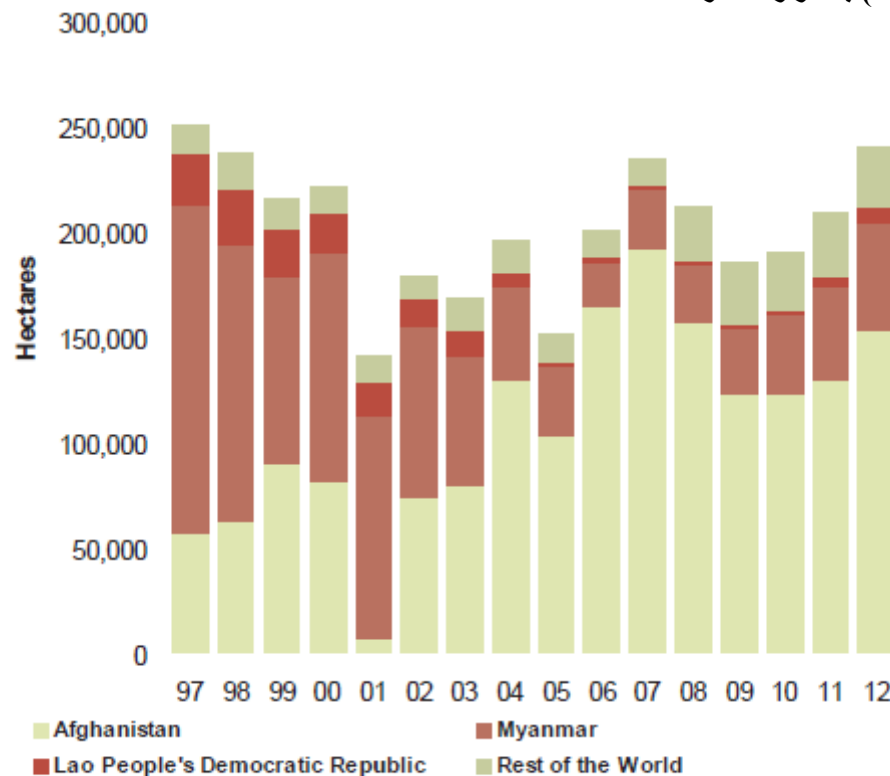
Vgl.: Edouard Martin/Steven Symansky. Macroeconomic Impact of the Drug Economy and Counter-Narcotics Efforts, in: Buddeberg/ Byrd (Hg.) Afghanistan's Drug Industry (wie Fn. 27) S.30

گراف شماره ۴: تولید تریاک در سطح جهانی و سهم افغانستان در مقایسه با میانمار، لاوس و بقیه جهان (۱۹۹۷-۲۰۱۲) به هزار تن



منبع: گزارش سازمان ملل بخش مبارزه با جرایم و مواد مخدر UNODC سروی تولید تریاک در جنوب شرق آسیا 2012

گراف شماره ۵: مقدار زمین زرع شده تریاک در سطح جهانی و سهم افغانستان در مقایسه میانمار، لاوس و بقیه جهان (۱۹۹۷-۲۰۱۲) به هزار هکتار



Source: UNODC, World Drug Report 2012; UNODC South-East Asia Opium Survey 2012. 2012 results for Rest of the World are preliminary.

رابطه متقابل میان عدم ثبات، طالبان جدید و تولید مواد مخدر

با تقویت گروه های شورشی در جنوب و شرق از سال 2006 به اینطرف جدایی میان شمال و جنوب که حد فاصل جغرافیایی زمینهای قابل زرع تریاک را میسازد، شدت بیشتر حاصل کرد. در سال 2008 کشت تریاک از جمله 34 ولایت افغانستان در 7 ولایت جنوبی و جنوب غربی متمرکز بود. در این ولایات 98% تریاک افغانستان تولید میشود) نظر به مقدار زمین قابل زرع): هلمند 66%، قندهار 9%، ارزگان 6%، فراه 10%، 7% باقی مانده میان ولایات نیمروز، زابل و دایکندی و مقدار کوچک 2% مربوط به بقیه ولایات شامل این گروپ میشود. این وضعیت میتواند رابطه متقابل عدم ثبات، کنترل حاکمیت عینی از جانب قوماندانها و تولید حرفه ای مواد مخدر را تائید نماید. گروه های دوباره فعال شده طالبان جدید بصورت مخفی مالیات 10% (عشر) را از بخش زراعت تریاک بدست می آورند. در مقابل آنها از مزارع کشت تریاک پاسداری مینمایند. اگر بصورت یک جانبه تنها گناه کشت تریاک بدوش شورشیان انداخته شود، در حقیقت تحلیل درستی از ساختار بسیار پیچیده بازیگران این صحنه ارایه کرده نمیتوانیم. بخاطریکه طالبان جدید قادر نیستند مزارع زرع تریاک را بدون همکاری سایر بازیگران و "حمایتگران سیاسی" شان، کنترل نمایند.⁷ همکاری آنها ضرورت به ایجاد یک شبکه وسیع واتحاد متجانس دارد که میتوان آنرا "یک قدرت اپوزیسیون جنگی" نامید.⁸

این "قدرت اپوزیسیون جنگی" تحت رهبری طالبان جدید شامل رهبران جنگی مانند گلب الدین حکمتیار پشتون (فعال در شمال و شرق افغانستان) یا جلال الدین حقانی و پسرش سراج الدین حقانی (وزیرستان و در جنوبشرق) با روابط نزدیک با القاعده میباشد. در این "اپوزیسیون جنگی" بر علاوه تاجران مواد مخدر، گروه های دزد و جنایتکار نیز شاملند که دارای هیچگونه وابستگی ایدیولوژیک با طالبان نوین نیستند.

⁷Vgl.: Antonio Giutozzi. Koran, Kalashnikov and Laptop. The Neo-Taliban Insurgency New York 2008

⁸Vgl.: Citha D. Maaß, Eskalation in Afghanistan und der Tornado-Einsatz. Feb.2007(SWP-Aktuell 14/2007) www.swp-berlin .org/ commong/get_document.php?asset_id=3793

گروه های "قدرت اپوزیسیون جنگی" بر علاوه روابط مخفی خود را با اعضای حکومت کرزی نیز دارند که مقام ولایت و یا سایر مقامهای بلند حکومتی را اشغال کرده اند. بطور مثال فامیل آخنده زاده ها که از ده ها سال به اینطرف نقش رهبری را در قاجاق تریاک منطقه دارند و رهبر آنها شیر محمد بخیث والی نقش کلیدی را در بازار مواد مخدر در جنوب افغانستان بازی میکرد.⁹ در خزان سال 2005 از طرف کرزی بخیث سناتور در مجلس سنای افغانستان در کابل انتساب شد تا از منطقه اش دور شده و از نفوذشکاسته شود. اما اقوام او در منطقه مانند گذشته نقش مهمی را بازی میکنند. بخاطریکه ملیشه های او نیرو های نظامی تحت رهبری ایالات متحده را در جریان عملیات اندورینگ فریدام حمایت نموده بود.

افوهای وجود دارد که احمد ولی کرزی برادر کرزی در ساختار پیچیده بازار مواد مخدر در قندهار و هلمند دست دارد. ولی کرزی رئیس شورای ایالتی قندهار است و از سال 2004 به اینطرف در حلقه های ملل متحد و از سال 2008 به اینطرف در رسانه های بین المللی، فرد مشکوکی است که گفته میشود، در تجارت هیروئین دست دارد.¹⁰ بتاريخ 28 اکتوبر 2009 روزنامه نیویارک تایمز خبری را نشر نمود که ولی کرزی از 8 سال به اینطرف از جانب سی آی ایتمویل میشود و بعنوان یکی از افراد مهم ارتباطی در مبارزه علیه شورشیان نقش مهمی را بازی میکند.¹¹ دست داشتن احتمالی ولی کرزی در تجارت مواد مخدر از طرف مقامات حکومتی امریکا با یک جواب هوایی چنین توضیح گردید: دلایل قانع کننده مبنی بر ثبوت این ادعا وجود ندارد که در برابر مقامات قضایی از اعتبار پایداری برخوردار باشد.¹²

دلایل گمراه کننده موفقیتها

UNODC در قدم اول دلایل پیروزی ها را در مبارزه علیه مواد مخدر، در آن میبندد که چند ولایت فارغ از "کشت تریاک" است. یک ولایت زمانی "فارغ" از کشت تریاک است که زمین مورد زرع تریاک کمتر از 100 هکتار باشد. بیلائس مثبت UNODC متکی بر آنست که در سال 2006، 6 ولایت فارغ از کشت تریاک بود و این رقم در سال 2007 به 13 و در سال 2008 به 18 ولایت، ارتقا کرده و بدینصورت نصف ولایات افغانستان فارغ از کشت تریاک بوده است.

بیلائس موفقیت قابل توجه است اما فقط شامل تولید یک ماده مخدر میگردد. در مقابل به این مسئله توجه صورت نمیگیرد که تولید مواد مخدر شامل انواع مختلف میباشد. دیده میشود که با وجود تقلیل کشت تریاک، تولید هیروئین در داخل افغانستان روز بروز اضافتر میشود. بصورت تخمینی در سال 2008، 60-70% تریاک تولید شده در لابراتوار های سیار به مورفین و هیروئین تبدیل شده اند.¹³ برای تولید هیروئین اسیتون هیدرید ضرورت است که شکل آب را دارد. این ماده باید به مقدار زیاد به افغانستان بصورت قاجاق وارد گردد که این هم یک منبع دیگر عایداتی در صنایع مواد مخدر است. یکی از اقلام مهم دیگر صادرات مواد مخدر افغانستان چرس پخته است که از بوته چرس ساخته میشود. در اثر مبارزه علیه کشت تریاک تعداد زیاد از دهقانان به کشت بوته چرس رو آوردند. چرس در ولایاتی زرع میگردد که بصورت رسمی "فارغ" از کشت تریاک اند. با وجودیکه از نگاه مالی عواید ناخالص بوته چرس به اندازه تریاک نیست. اما حاصلات کشت بوته چرس در یک هکتار زمین با در نظر داشت مقدار کمتر کار، " عاید خالص"

⁹Vgl. Alain Labrousse, Angriff auf die falschen Ziele. Der Krieg gegen die Drogen wird von Machtpolitik geleitet. In: Welt-Sichten, Nov. 2008, www.welt-sichten.org/artikel/art_11-88/angriff_auf_die_falsche_ziele.html
¹⁰ نویسنده در این زمینه در ماه می ۲۰۰۴ در قندهار از طریق یکی از همکاران دفتر یوناما ملل متحد این معلومات را بصورت خصوص بدست آورد

Vgl.: Abdul Waheed Wafa. Brother of Karzai Denies Links to Heroin. In: New York Times 7.10.2008

www.nytimes.com/2008/10/07/world/asia/07afghan.html?ref=asia

¹¹Payroll". A.I.C no eB it diaS l redaeL nahgfA fo rehtorB". James Risen/Mark Mazzitti/Dexter Filkins :.Vgl

28.10.2009, New York Times :In world=ref&l=r_?html.intel28/asia/world/28/10/2009/com.nytimes.www ;

28.10.2009. Spiegel Online: CIA Mission in Afghanistan" in .rahdnaK nov enopaC IA reD" ,Mattias Gebauer

html0.1518.657878.00/ausland/politik/de.spiegel.www

برادر رییس جمهور بصورت سیستماتیک و آگاهانه در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ در تمام ولایت قندهار به نفع برادر خود دست به تقلب زد. ولی کرزی از تحقیقات بعدی کمیسیون غیر وابسته شکایات انتخاباتی به مشکلی مواجه نشد چون این کمیسیون اسناد موثق و کافی برای سهم مستقیم وی در تقلب در دست نداشت. شاهد ها شاید از ترس حاضر نشدند در مورد شهادت بدهند.

برای سال ۱۹۹۵ مقدار تریاک که به هیروئین تبدیل شد ۴۱٪ تخمین میشود. تریاک که در افغانستان تولید میشود دارای فیصدی بسیار بلند مارفین میباشد: از جمله ولایت های افغانستان در بدخشان بلندترین فیصدی بدست می آید. بطور مثال در جنوب شرق آسیا تناسب ۱:۱۰ است یعنی از ۱۰ کیلو تریاک یک کیلو هیروئین بدست می آید. در مقابل این تناسب در افغانستان ۷:۱ است این جا ۶-۷ کیلوگرام تریاک ضرورت است تا یک کیلوگرام هیروئین بدست آید. به این اساس میتواند در سال ۲۰۰۸ از ۷۷۰۰ تن تریاک ۱۱۰۰ تن هیروئین تولید شده باشد که از جمله ۳۰-۴۰٪ آن بدون اینکه به هیروئین تبدیل شده باشد، صادر گردیده است.

UNODC, Afghanistan Opium Survey Macroeconomic Impact of the Drug, Martin Samansky, 9.S (1. wie Fn) 2008
26.S (38. wie Fn) Narcotics Efforts - Counter Economy and

اضافت دارد.¹⁴ در اواسط دهه اول قرن 21 افغانستان نه تنها بزرگترین صادر کننده تریاک بود، بلکه بزرگترین صادر کننده چرس نیز بوده است.¹⁵

و بالاخره باید دو مساله دیگر نیز در صنعت مواد مخدر در نظر گرفته شود، که تا حال یا اصلاً به آن توجه صورت نگرفته و یا اینکه نظر به عوامل سیاسی به بی توجهی به آن برخورد گردیده است: اضافه تولید و خود گول زدن آگاهانه سیاسی در برابر تاجران با نفوذ مواد مخدر. محدودیت انعطاف پذیری در قیمت، به این مساله کمک کرد که با وجود بلند رفتن قابل ملاحظه کشت تریاک و تولید مواد مخدر و همچنان نبود تقاضای در بازار های بین المللی به مواد مخدر در مقایسه با تولید آن، هنوز هم علاقمندی زیادی برای ادامه ازدیاد تولید تریاک وجود دارد. از این لحاظ UNODC در سال 2008 چندین بار این سوال را مطرح کرد که اضافه تولید تریاک در کجاست؟ تحقیقات در این زمینه نشان میدهد که دهقانان در مناطق مختلف افغانستان فقط مقدار کمی را ذخیره نموده اند. نتیجه آنکه قسمت بزرگ این اضافه تولید از جانب تاجران مواد مخدر افغانستان و شرکای بین المللی شان در جا های دیگر بصورت مخفی گدام شده است. UNODC از این ناحیه اندیشه دارد که مواد ذخیره شده " بمب ساعتی " است که در سطح جهانی خطر بزرگی را برای صحت مردم و "امنیت جهانی" ایجاد خواهد کرد.¹⁶

موضوع پیچیده دیگر خود فریبی آگاهانه سیاسی جامعه بین المللی در برابر تاجران بزرگ و سیاستمداران سهیم در قاچاق مواد مخدر است که در حکومت کرزی مقامات بلند را اشغال کرده اند. رابطه متقابل بی ثباتی ناشی از شورشها و تولید مقدار بسیار زیاد مواد مخدر، طالبان نوین را بحیث محور اصلی در برابر دیدگان جامعه بین المللی در رابطه مبارزه با قاچاق مواد مخدر قرار داده است. در مقابل از یک سیاست بکلی آزاد در برابر قوماندانهای محلی و آن نیرو های پیروی میشود که در تجارت مواد مخدر شاملند اما در خفا با نیرو های ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده و ایسائینطرف ناشی از آن شرایط مساعدیست که سی آی ای در جریان جنگ ضد ترور، قوماندانهای را در شرق و جنوب افغانستان با " چندین صد ملیون دلار " خریداری کرده و همزمان با آن با مدارا شاهد آن بوده است که این قوماندانها پولهای بدست آورده را برای دادن قرضه ها به دهاقین تریاک مورد استفاده قرار داده اند.¹⁷

این آزاد منشی با افرادی که در راس اهرم قدرت در افغانستان قرار دارند نیز صورت میگیرد. UNODC از این ناحیه شکایت که دولت افغانستان و منابع پول دهنده بین المللی از نگاه سیاسی خواستار آن ندارند که قاچاقبران شناخته شده مواد مخدر را به محاکمه تسلیم نمایند.¹⁸ مراجع بین المللی پول دهنده متهم میشوند، که دیر زمانیست با حمایت کرزی از اعضای حکومتش که اشتباه دست داشتن در قاچاق مواد مخدر به آنها میرود، برخورد جدی ندارند. بطور مثال جامعه بین المللی تماشاگر آن بود که کرزی احمد مقبل ضرار شخص نالایقی را برای سه سال در پست وزارت داخله مقرر کرد بدین ترتیب اصلاحات در این وزارت که در "فساد اداری" شهرت داشت، به تعویق افتاد. قسمت اعظم کارمندان این وزارت در گرفتن باجگیری ها، داشتن نظام حمایتی در شبکه قاچاق مواد مخدر و اعمال دیگری مانند جنایات سازمان داده شده، دست داشتند.¹⁹ در سال 2008 کرزی زیر فشار ایالات متحده امریکا، مجبور شد تا محمد حنیف اتمر مشهور به "هرکولیس افغانستان" را در پست این وزارت بگمارد تا کثافت کاری های وزارت داخله را پاکسازی کند.²⁰

¹⁴Vgl. UNODC, Afghanistan Opium Survey 2008, Executive Summary (wie Fn.1) S.VIII

¹⁵Vgl. UNODC, Afghanistan Opium Winter Rapid Assessment Survey Feb. 2008.

Preface.<www.unodc.org/documents/crop-monitoring/Afghan-winter-survey-Feb08-short.pdf>

¹⁶VIII.S(1.wie Fn)Executive Summary.2008AfghanistanOpium Survey ,UNODC .Vgl

¹⁷Vgl. Goodhand. „Corrupting or Consolidating the Peace?“ (wie Fn.20) S.409

¹⁸Vgl. UNODC,Afghanistan Opium Survey 2008.Executive Summary(wie Fn.1)S. VIII

¹⁹Vgl. Andrew Wilder, Cop or Robbers? The Struggle to Reform the Afghan National Police. Kabul Afghan Research and Evaluation Unit (AREU). Juli 2007(Issues Paper Series),S.52-53. <www.areu.org.af>

اینکه حنیف اتمر موفق خواهد شد این نظام حامیگری و حامی پروری از بین ببرد، باید انتظار کشید (ننتها موفق نشد بلکه مجبور به استعفا شد مترجم)

Vgl. John F. Burns, "Afghan President, Pressured, Reshuffles Cabinet" In:New York Times, 11.10.2008

www.nytimes.com/2008/10/12/world/asia/12afghan.html.

اقدامات عملی مبارزه علیه مواد مخدر

از سال ۲۰۰۲ به اینطرف دولت افغانستان و سازمانهای بین المللی برنامه ها و وسایل مختلف را در این زمینه مورد استفاده قرار داده اند. حکومت کابل تا حال چندین بار «استراتژی ملی کنترل مواد مخدر» را مورد بازنگری قرار داده و در این زمینه تاکید میکند که یک دورنمای چندین ساله و استراتژی پایدار امر ضروریست. بمنظور تقلیل ساحه کشت مواد مخدر بجای استفاده از هواپیما ها و پاشیدن مواد کیمیاوی باید کشت فرآورده های بدیل زراعتی ترویج گردد. اما این استراتژی با سه کمبود عمده روبروست: ۱- کمبود تعیین اولویت ها و هم آهنگی موثر بخشهای مختلف. ۲- زمینه های محدود تمویل این پروژه و ۳- نبود خواست سیاسی عملی شدن این پروژه.

حکومت افغانستان و سازمانهای بین المللی به سه امکان توجه میکنند:

توجه به تولید (وسیله اصلی) از بین بردن فزیزی حاصلات یا منع اجباری دهقانان از کشت تریاک. از بین بردن اجباری کشت تریاک یا توسط «گروه های مرکز عمومی قلع و قم تریاک» صورت میگیرد یا در سطح ولایتی زیر نظر والیان توسط پولیس و یا گروه های ویژه ولایتی نابود میگردند. یا وارد کردن فشار توسط ارگانهای رسمی ولسوالی ها، شورا های محلی و روحانیون مذهبی. سه علت و جود دارد که این اقدامات ننتها موثر نیست بلکه تاثیرات آن حتی منفیست. (۱) نابودی کشت تریاک بخاطر موثریت پایدار ندارد که بصورت کوتاه مدت کشت تریاک میتواند از یک مزرعه به مزرعه دیگری انتقال داده شود. (۲) مقاومت سیاسی و فساد اداری دهقانان را مجبور میسازد که حمایت مخالفین دولت و دیگر «حمایتگران منطقوی» را قبول کنند. (۳) در بین بردن مزارع تریاک به ساختار های مخفی که نیروی محرکه کشت تریاک اند، توجه صورت نمیگیرد.

- توجه به فروش و کار مجدد بمنظور تولید هیرویین و کوکابین: قطع راه های ترانسپورتی قاچاق، مصادره و آتش زدن تریاک، از بین بردن لابراتوار های هیرویین، دستگیری قاچاقبران، تربیه پولیس ویژه و محاکمات اختصاصی ضد قاچاق. تاثیرات این اقدامات هم بخاطر فساد اداری، عدم هم آهنگی میان ارگانهای دولت و آزاد سازی مجرمین در اثر فشار حامیان آنها. بدینصورت ترس مجرمین از این اقدامات نیز محدود میباشد. بر علاوه قاچاقبران بزرگ بکمک حمایتگران سیاسی خود، از مصونیت برخوردارند. افشای افراد رقیب به ارگانهای امنیتی بازار مواد مخدر را بدست یک تعداد افراد معین محدود ساخته است.

- توجه به جاگزینی (عملگرایی وسیله بکارگیری): تشویق بهبود زرع نباتات بدیل و همچنان ایجاد امکانات عواید بدیل. با وجود ابتکار های مالی جامعه بین المللی، تاثیرات این اقدامات نیز محدود است چون پروژه ها اکثراً محلی بوده و به وابستگی های اقتصادی و اجتماعی کمتر توجه میشد. بجای آن طرح های جامعتر روی دست گرفته شده است که دیده شود موثریت آن چگونه خواهد بود.